

هو الأبهی

یا أبا الفضائل و أمّه و أخیه چندی است که بوی خوش معانی از ریاض قلب آن معین عرفان بمشام مشتاقان نرسیده و حرارت حرکت شوقیه شعله‌اش بخرمن دلهای دوستان حقیقی نرسیده و حال آنکه مکتوب مفصلی در بدایت حرقت از فرقت محبوب آفاق ارسال شد دلیل وصول ظهور ننمود و اشاره قبول مشهود نگشت معلوم است که این افسردگی و پژمردگی از شدّت احتراق از فراق محبوب آفاق است و این خمودت از کثرت تأثرات در مصیبت کبری و لکن انوار شمس حقیقت را افولی نه و امواج بحر اعظم را سکون و کمونی نیست فیوضات ملکوت ابهی مستمرّ است و تجلّیات جبروت اعلی مترادف ابر نیسان عنایت فائض است و شریان محبّت الله در جسد امکان نابض تأیید از رفیق ابهی متتابع است و توفیق از حضرت کبریا متواتر اگر آن افتاب انور از افق ادنی که افق امکان است غاربست از افق اعلی طالع و لائح اگر تا بحال ابصار بشر بسبب سبحات جسمانی از مشاهده آفتاب حقیقت نورانی محروم و ممنوع و محتجب بود حال آن

حجاب که در هر عهد و عصر وسیله انکار بود کشف الغطاء گردید چه که در جمیع احیان ظهور که مظاهر احدیّتش از مطلع امکان طالع شدند بهانه اعظمشان این بود که میگفتند "إِنَّمَا أَنْتَ بَشَرٌ مِثْلُنَا" و ما هذا الاّ بشر مثلكم خلاصه ظهور آن مظاهر احدیّت را از مطالع بشریّت علّت بطلان می‌شمردند و سبب انکار میکردند و بعد از صعود مؤمن و موقن میشدند زیرا بظاهر شخص بشری ملاحظه نمی‌کردند لهذا منتبه قوّت و برهان و حجج الهی میشدند و مظهر "و بصرک الیوم حدید" میگشتند چنانچه اگر ملاحظه بفرمائید مشهود میگردد که در جمیع اعصار اعلاء کلمة الله بعد از صعود مشارق انوار بافق اعلی گردید چه که ناس فطره ایمان بغیب را خوشتر دارند و دلکستر شمرند در جمیع احیان در یوم ظهور انکار نمودند و استکبار ورزیدند و بهانه جستند و در لانه اوهام آشیانه کردند و چون ملاحظه مینمودند که شخصی بهیکل بشری ظاهر و مشابحت جسمانی دارند از موهبت ربّانی محتجب میماندند چون بصر شیطان که نظر در جسم خاکی و طلسم ترابی حضرت آدم کرد و از آن کنز بی پایان که اعظم موهبت الهیه و اشرف منقبت انسانیّه است کور و نابینا شد و "خلقتنی من نار و خلقته من طین" گفت. باری مقصود این است که در رساله ایقان هیکل بشری را بمنزله

سحاب شمرده‌اند و حقیقت نورانیّه را بمنزله آفتاب و "حینئذ تشهدون ابن الانسان آتياً علی سحاب السماء بقوّات و مجد عظیم" عبارت انجیل را باینگونه تفسیر و تأویل فرموده‌اند پس حال وقت شعله و اشتعال است و هنگام ندا و انجذاب وقت آنست چون بحر در جوش آئید و چون سحاب در برق و خروش و چون حمامه حدیقه وفا در نغمه و ترانه بکوشید و چون طیور سماء بقاء در تغرّد و نوا آئید ای بلبلان گلزار هدایت و ای هدهدان سبای عنایت وقت جوش و خروش است و هنگام نغمه و آهنگ است دلتنگ منشینید و محزون و دلخون محسبید پرواز باوج علا نمائید و آغاز آواز در گلشن هدی نمائید قصد سبای رحمن کنید و آهنگ ریاض حضرت منّان اگر در این بهار الهی نغمه نسرائید در چه موسمی آغاز ساز نمائید و بگلهای معانی همدم و همراه گردید. یا أبا الفضل این اشتعال نار سدرتک و این اشراق أنوار محبّتک و این أمواج بحر عرفانک و این نسائم ریاض ایقانک و این نغماتک السارة للآذان و این نفحاتک المعطرة لمشام أهل الامکان این جذبة قلبک و این سعة صدرک و این بشارة روحک و این اشتعال جذوتک و این شعله قبستک دع السکون و لو کان فی هذه الايام الخمودة من شدّة الهموم ممدوحة محمودة فاخرج من زاوية الخمول و اقصد اوج القبول و طرفی

هذا الفضاء الأبهى و ادخل حديقة أمر الله بقيامك على نشر روائح قدسه و اعلاء كلمته قياماً يتزلزل به اركان الشرك و يرتعد به فرائص الاحتجاب عن ربّ الارباب و تعلو معالم العرفان و تنتشر اعلام الايقان و تحفق رايات التبيان و يرتفع شراع الحياة فى سفينة النجاة على بحر الامكان جناب آقا سيّد محمد در خصوص حرکت آنحضرت بصفحات بمبئی تفصیلی مرقوم نموده اند جناب آقا میرزا عزیز الله تفصيلاً عرض خواهند نمود اگر چنانچه موافق رأى واقع شد بنظر چنین میآید که وجود آنحضرت مثمر ثمرى جديد خواهد شد. در صورت تصمّم بر عزيمت بنظر چنان میآید که اوّل بزيارت تربت طاهره مشرّف شويد بعد عازم آن سمت گرديد و الروح و البهاء و الشاء عليك بنهايت استعجال مرقوم شد عفو فرمائيد عبده عباس رساله استدلالیه که اثر خامه آن جان پاک بود قرائت و تلاوت شد بشكرانيّت الطاف حضرت احديّت لسان گشوديم که بتأييدات ملكوت ابهايش نفوسى مبعوث فرموده که بهدايت جميع فرق عالم قيام نمايند و نطق و بيان و قوّت برهانشانرا در جميع ملل عالم مماثل و مقاومى نباشد. نشكره على ما أنطقك بشائه و أقامك على بيان برهانه و إثبات حججه و دلائله و إظهار أمره بين ملكوت خلقه و لو كان للناس آذان واعية و عقول زكية و نفوس مطمئنة و قلوب

صافية لكفتهم هذه الرسالة و إننى لاتضرع إلى الله أن يجعلك آية الهدى و
راية التُّقى و منار العرفان و مطلع الإيقان و مُمهد الطريق و الدالّ على سواء
السبيل بين ملأ الوجود و قائد جنود الحياة فى ملكوت الشّهود إنّه مؤيّد من
يشاء و إنّه لعلّى كلّ شىء قدير و البهاء عليك ع ع